



## الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی و کارکرد آن در حقوق ایران و آمریکا\*

مهدی غفاریان\*\* - دکتر حسن پاشازاده\*\*\*

دکتر ناصر رهبر\*\*\*\* - دکتر ناصر مسعودی\*\*\*\*\*



This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

مالکیت فکری یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که به سرعت جایگاه خود را در موضوعات حقوق بین‌الملل تثبیت نموده است. اما نوع نگاه به این موضوع در کنشگران یکسان نیست؛ بنابراین پرداختن به آن ضروری است. با در نظر گرفتن این موضوع هدف مقاله پیش‌رو بررسی الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی و کارکرد آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا است. سؤال اصلی به این گونه تنظیم شده است: الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی چیست؟ و کارکرد آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه قابل ارزیابی است؟ رویکرد پاسخگویی به این پرسش توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوق مالکیت فکری آمریکا، به دلیل ماهیت و تحلیل اقتصادی ابزارگرا است و در مقابل، نظام حقوقی ایران، چه در مرحله اعطای حق و چه پس از آن، نگاهی وظیفه‌گرایی آن هم در راستای سنت‌گرایی دارد.

### کلیدواژگان

مالکیت فکری، حقوق طبیعی، ابزارگرایی، حقوق آمریکا، حقوق ایران، جامعه بین‌الملل

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق خصوصی مهدی غفاریان کبلو با دکتر حسن پاشازاده راهنمایی است.  
\*\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.  
\*\*\* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. / ایمیل:

[stu.pashazadeh45@iaut.ac.ir](mailto:stu.pashazadeh45@iaut.ac.ir)

\*\*\*\* استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران  
\*\*\*\*\* استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

## مقدمه

مالکیت فکری<sup>۱</sup> در جامعه بین‌المللی، مجموعه حقوق انحصاری صاحب حق نسبت به اعیان غیرمادی است. حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی و در قیاس با حقوق مالکیت در مفهوم سنتی آن در جامعه بین‌المللی شامل مالکیت بر اموال مادی و محسوس است. برخلاف مالکیت سنتی که در توجیه آن عموماً به نظریه حقوق طبیعی استناد می‌شود، مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی، ایده یا دسترس و کنترل جنبه فیزیکی اشیاء ذهنی، قابلیت انطباق کامل با نظریه مزبور را ندارد. حال می‌توان ادعا کرد که مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی، واکنشی در برابر تغییرات اجتماعی مستقیم است که اگر این تغییرات اجتماعی حاصل نمی‌شد حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی نیز به شکل کنونی فرصت بروز و ظهور پیدا نمی‌کرد.

بنابراین حقوق مالیت فکری در جامعه بین‌المللی، نتیجه این تغییرات و به‌منظور مدیریت اجتماع پا به عرصه وجود نهاده است. البته در نظام‌های حقوقی مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به این مسئله وجود دارد، چرا که برخی کنشگران مالکیت فکری را ابزاری برای کنترل تغییرات اجتماعی می‌دانند و برخی کنشگران دیگر با یک نگاه سنتی به حقوق مالکیت فکری نگاه می‌کنند. در این راستا سؤال این است که الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی چیست؟ و کارکرد آن در حقوق ایران و ایالات متحده چگونه قابل ارزیابی است؟ فرضیه تحقیق این است که بر اساس آنچه تاکنون در خصوص حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل و در قیاس با حقوق مالکیت در مفهوم سنتی آن در جامعه بین‌المللی شامل مالکیت بر اموال مادی و محسوس است. مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی، واکنشی در برابر تغییرات اجتماعی است و این نوع نگاه باعث شده که مالکیت فکری در نظام‌های حقوقی کنشگران از جمله ایالات متحده ابزارگرا و در ایران سنت‌گرا باشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی به تبیین «الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی و کارکرد آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا» می‌پردازد. از این‌رو ابتدا مفهوم اساسی و مبنایی این پژوهش حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی بیان می‌شود و پس از آن تلاش می‌شود تا کارکرد آن در حقوق جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

## ۱- پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع مقاله و اهمیت آن، می‌توان ادعان نمود که پژوهش‌های چندانی در این خصوص صورت نپذیرفته و بیشتر تحقیقات انجام‌شده در این زمینه به صورت گزارش، یادداشت

<sup>1</sup>. Intellectual Property

<sup>2</sup>. The international community

<sup>3</sup>. Intellectual Property Rights

و... از سوی تحلیلگران، متخصصین و اندیشکده‌ها منتشر شده است، با این حال نویسندگان مقاله تلاش می‌کنند که برخی از تحقیقات مرتبط با این پژوهش را بررسی نمایند تا تفاوت آن‌ها با موضوع پیش‌رو نمایان گردد:

نجفی در سال ۱۴۰۰ مقاله با عنوان «مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد مالکیت فکری در حقوق ایران و آمریکا؛ تمهیدی برای تغییر» با روش توصیفی - تحلیلی به چاپ رساند. در این مقاله نویسنده به این نتیجه رسیده است که نگاه حقوق ایالات متحده آمریکا و ایران به مالکیت فکری به ترتیب ابزارگرا و سنتی است، این مقاله هر چند در کلیات به پژوهش حاضر کمک کرده است، اما در مباحث و اهداف جزئی چندان مفید نبوده است (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۵۳)؛ (Najafi, 2021: 253).

کمیلی‌پور و همکاران در سال ۱۴۰۰ مقاله با عنوان «داوری دعای مالکیت فکری از مجرای رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران» و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به چاپ رساندند. هدف این مقاله بررسی اختلافات مرتبط با مالکیت فکری نیز از حوزه‌های تخصصی داوری است (کمیلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹)؛ (Komeilipour et.al., 2022: 89).

محمدی و همکاران در سال ۱۳۹۶ مقاله‌ای با عنوان «حمایت از حق شهرت در پرتو حقوق مالکیت فکری با رویکرد تطبیقی» و با روش توصیفی - تحلیلی به چاپ رسانده‌اند. در این مقاله تلاش شده است با تبیین شاخصه‌های شهرت و بررسی مقررات حاکم بر نظام‌های حقوقی پیش‌رو، ظرفیت این نظام‌ها را برای حمایت از شخصیت‌های مشهور مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۵)؛ (Mohammadi et.al., 2017: 185).

محمودی مقاله که در سال ۱۳۹۱ با عنوان «ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن‌ها در حقوق اموال» و با روش توصیفی - تحلیلی به چاپ رسانده است، تلاش نموده که ضمن تشریح و تبیین مسائل حقوق مالکیت فکری و مستلزم شناخت ماهیت و جایگاه آن در حقوق مالی، کوشیده ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن را در حقوق اموال تبیین کند (محمودی، ۱۳۹۱: ۹۴)؛ (Mahmoodi, 2013: 94).

بدین ترتیب پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند منبع مستقلی در موضوع این پژوهش صورت نگرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته در این است که اول اینکه محدوده مطالعات ما الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی با تأکید بر حقوق ایران و آمریکا است. دوم سعی شده است به صورت تطبیقی الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در حقوق ایران و آمریکا را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است و این باعث شده مقاله پیش‌رو با پژوهش‌های انجام شده تفاوت داشته باشد و مهم‌تر این که حرف نو برای جامعه حقوقی و سیاسی داشته باشد.

## ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

## ۲-۱- مفهوم حقوق مالکیت فکری

خاستگاه و سرچشمه مالکیت فکری، دستامدهای وابسته به اندیشه، دانش، ادبیات، هنر، صنعت، فن، نوآوری و ذوق بشری است که در متنوع سیمای علمی، ادبی، صنعتی، فناوری و هنری به نمایش درمی‌آید. پس هر آنچه زاییده، ساخته و پرداخته هوش و اندیشه بشر است می‌تواند در ذیل حقوق مالکیت فکری درآید و با گسترش و بالندگی زمینه‌ای فکری بشری تاب بردارد (World Intellectual Property Organization, 2022: 3). اصطلاح «حقوق مالکیت فکری» از سه واژه حقوق، مالکیت و فکری ساخته شده است که بررسی واژگانی این سه اصطلاح ما را به دریافت بهتر و روشن‌تر آن رهنمون خواهد بود.

حقوق مالکیت فکری به دلیل وجود مقررات گسترده، تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. اسناد مختلف (داخلی و بین‌المللی) به ذکر مصادیق این نوع از حقوق اکتفا کرده‌اند. توصیف دو بخش اصلی حقوق مالکیت فکری؛ «مالکیت صنعتی» و «مالکیت ادبی و هنری و...» نیز از همین سیاق استفاده شده است (میرشمسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۶)؛ (Mirshamsi, 2014: 77-76). به‌عنوان مثال «کنوانسیون پاریس» برای حمایت از مالکیت صنعتی، «کنوانسیون برن» برای حمایت از مالکیت ادبی و هنری، «کنوانسیون رم» (ARICIOGLU & UCAN, 2015: 125) برای حمایت از حقوق مرتبط ۱۹۶۱، قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ ایران، همگی، به‌جای ارائه تعریفی حقوقی از مالکیت‌های صنعتی و مالکیت‌های ادبی و هنری‌ها آثار و موضوعات قابل حمایت را برشمرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۵۵)؛ (Najafi, 2021: 255).

حق مالکیت فکری، عبارت از حق فرد بر اندیشه و کالای گرفته از فکر می‌باشد. سازمان تجارت جهانی در چارچوب «موافقت‌نامه تریپس»، ضمن برشمردن مصادیق این حقوق از قبایل مؤلف، حقوق جانبی، علائم جغرافیایی، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشاء نشده، به تعیین استاندارد و معیارهای حداقلی جهت حمایت از آن‌ها می‌پردازد (Intellectual Property Rights in the USA, 2022: 3) و به‌طور کلی مالکیت فکری،

۱. دربرگیرنده زیر مجموعه‌هایی همچون حقوق حاکم بر نیت و حمایت از اختراعات، حقوق حاکم بر علائم تجاری و اساسی تجاری، حقوق حاکم بر طرح‌های صنعتی حقوق حاکم بر علائم مبادی جغرافیایی، حقوق ناظر بر طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه مقررات مربوط به رازداری و نقض تعهد بر عدم افشای اسرار تجاری، حقوق حاکم بر حمایت از شهرت تجاری و مقررات مربوط به آنتی‌تراست‌ها می‌باشد (قدوسی، ۱۳۸۸: ۳۹)؛ (Qudousi, 2008: 39).

۲. Paris Convention for the Protection of Industrial Property 1883

۳. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works 1886

۴. TRIPS agreement

حق فرد بر اندیشه خود و کالا و خدمات نشأت گرفته از آن می‌باشد (Arlington & Virginia, 2003).

به دلیل آشفتگی زیاد در ادبیات حقوق راجع به مالکیت فکری، می‌توان اشاره کرد که تعریف قانونی و جامع از مالکیت فکری که حسب طبیعت منطقی آن وجود ندارد. به همین دلیل بیشتر نویسندگان، طرح نظریه عمومی مالکیت فکری را بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌دانند. مالکیت فکری به مجموعه اصول و قواعدی اطلاق شده است که به منظور حمایت از اموال فکری که شامل اختراعات، علائم تجاری و... می‌شود، شکل گرفته است. البته از وصف فکری نباید به این نتیجه رسید که تنها ابتکارات فکری موضوع حمایت این شاخه از حقوق است، از این رو نظام حقوق مالکیت فکری، فعالیت انسانی نیز از حمایت برخوردار بوده و واژه فکر در ترکیب «حقوق فکری»، فعالیت را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت، حقوق مالکیت فکری گرایشی حقوقی است که اموال غیرملموس ناشی از فکر انسان حمایت می‌کند و شامل اختراع، علائم تجاری، اسرار تجاری، مالکیت ادبی- هنری و... می‌شود (نژادنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸)؛ (Nejad Noori, 2018: 8).

## ۲-۲- کارکرد حقوق مالکیت فکری

بدون شک آن چیزی که نوع نگاه به «ماهیت» حقوق مالکیت فکری را تعیین می‌کند، «کارکرد» است. تعیین کارکرد حقوق مالکیت فکری نیز خود به شناسایی ماهیت منجر می‌شود و هر کدام بدون دیگری معنا و مفهوم ندارد. «ویزلی هوفلد»، نظریه پرداز حقوقی آمریکایی در این باره معتقد است که یکی از راه‌های شناخت ماهیت حق‌ها بررسی و تبیین «کارکرد» آن‌ها می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۵۸)؛ (Najafi, 2021: 258). از طرف دیگر تبیین این موضوع آن هم از زاویه حقوق «فطری» و «طبیعی»، منتهی به شناسایی حقی کاملاً فردی و شخصی است. اثر آن تنها عمل به سنت‌های اخلاقی تأمین بالاترین حقوق مالکیت اشخاص می‌باشد. در مقابل این نوع نگاه، کارکرد حقوق مالکیت فکری از دریچه «ابزارگرایی» است. ابزارگرایی حکایت از وجود حقی اجتماعی دارد که با مبانی خاص ایجاد شده است مانند توسعه رفاه عمومی. با در نظر گرفتن این تحلیل در ادامه با اشاره به الزامات مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل، به مباحث اصلی مقاله یعنی بررسی کارکرد نظام حقوق مالکیت فکری در آمریکا و ایران پرداخته می‌شود.

## ۲-۳- نظریه حقوق طبیعی

واژه حقوق طبیعی یا حقوق فطری<sup>۱</sup>، یکی از کهن‌ترین واژه‌هایی است که قدمت کاربرد آن به پیش از میلاد حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> برمی‌گردد. پیروان این نظریه ادعا دارند که حق طبیعی به واسطه

1. Wesley Hofeld

2. Natural Law

عقل بشری قابل دست‌یابی است و همه به آن اعتراف دارند. در واقع حق طبیعی در صورتی می‌تواند وجود داشته باشد که عدالت بر مبنایی ثابت استوار باشد (پارساپور، ۱۳۸۱: ۱۴۶)؛ (Parsa Poor, 2002: 146). در مجموع نظریه حقوق طبیعی بر پنج اصل استوار است: اصل اول، خداوند جهان را به صورت مشترک به بشر داده است؛ اصل دوم، هر شخص بر خود مالکیت دارد؛ اصل سوم، کار هر شخص، متعلق به خود اوست؛ اصل چهارم، هرگاه کسی کار خود را با مشترکات در آمیزد، به این وسیله آن را ملک خود کرده است؛ اصل پنجم، حق مالکیت مشروط به این است که اسراف نکند و چیزی از مشترکات برای دیگران واگذارند (نژادنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷)؛ (Nejad, 2018: 27).

بنابراین نظریه حقوق طبیعی برای توجیه مالکیت فکری سنتی کافی است. چرا که این نظریه به منظور مقابله با خودکامگی و سلطنت‌طلبی حاکم بر عصر خویش محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> از این رو می‌توان ادعان نمود که نظریه حقوق طبیعی، اعتراضی علیه اندیشه‌های خودکامگی، سلطنت‌طلبی و پدرسالارانه است. به همین دلیل این نظریه با ترسیم اولیه وضعیت طبیعی طرح گردیده است و فقط در چنین وضعیتی قادر به توجیه مبانی خود می‌باشد و در جای که تلاش‌های بشر دیده می‌شود، عمل نخواهد کرد. با در نظر گرفتن این مباحث می‌توان گفت شکل‌گیری حقوق مالکیت فکری از مقولات طبیعی نیست. در واقع دانش، اطلاعات و اندیشه‌های بشری در وضعیت طبیعی قرار ندارد و شکل‌گیری توسعه علوم، مرهون تلاش‌های بشری است. بنابراین نمی‌توان کار مخترعی را که با تکیه بر دانش تولیدی پیشینیان خود، موفق به ابداع چیزی می‌شود، به مثابه کار دانست که با مشترکات عمومی آمیخته شده، در نتیجه، امتیاز اعطایی توسط قانون‌گذار به وی را به مالکیت فردی تعبیر نمود، به عبارتی از نظر جان لاک، خروج وضعیت از طبیعی، اشتراک و نیل به اختصاص و مالکیت فردی، با حصول دو شرط ۱ - وجود مشترکات عمومی طبیعی ۲ - آمیزش کار انسان مشترکات ممکن خواهد بود.

### ۳ - حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل

همانگونه که اشاره شد حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که فرد نسبت آثار فکری (نتایج و یافته‌های) خود دارد. از این رو مالکیت فکری قلمرو وسیعی که شامل هر چیزی (زاییده فکر و ذهن آدمی) می‌شود (محنت‌فر و عثمانی، ۱۳۹۹: ۱۱۴)؛ (Mehnatfar & Osmani, 2021: 114)؛ بنابراین مالکیت فکری فراتر از قلمرو حاکمیتی است (Derhus et.al., 2022: 5). بر اساس این نگاه، حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل، به سه دسته: ابزارگرایی - وظیفه‌گرایی - تلفیقی قابل تقسیم

<sup>۱</sup> تصریح جان لاک بر عناصری چون اشتراک انسان‌ها در بهره‌مندی از مواهب طبیعی و مالکیت آنها بر خود و عمل خود، به خوبی نمایانگر بنیان فکری او در اعتراض به وضعیت سیاسی و فکری زمان خود می‌باشد.

است. به نظر می‌رسد هر منطقه از جامعه بین‌الملل به یکی از این دسته‌ها نزدیک‌تر است. به‌عنوان مثال جوامع غربی، بیشتر ابزارگرایی است و جوامع سنتی، جهان سوم، بیشتر وظیفه‌گرایی است. البته در همه این جوامع نظام تلفیقی کم‌وبیش وجود دارد. بنابراین آنچه این جامعه‌ها را از هم تفکیک می‌کند، شدت ابزاراندیشی است.

### ۳-۱- حقوق مالکیت ابزارگرایی

بر اساس این مؤلفه، مالکیت فکری، استثناء بوده و رقابت آزاد، اصل می‌باشد. صرفاً زمانی شکل می‌گیرد که اقتضائات راجع به تشویق نوآوری آن را ایجاب نماید. مالکیت فکری را کالایی اجتماعی در نظر می‌گیرد. از این رو افرادی را شامل می‌شود که حائز شرایط خاصی باشند (Lemley, 2005: 1).

### ۳-۲- حقوق مالکیت وظیفه‌گرایی!

سعی می‌کند، حقوق مالکیت را به‌عنوان یک نوع حق و تکلیف اخلاقی اثبات کند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷)؛ (Abbasi et al., 2016: 17).

### ۳-۳- حقوق مالکیت تلفیقی (ابزارگرا-وظیفه‌گرا):

این دسته تلفیقی از دو دسته اول می‌باشد. بستگی به زمان و شرایط دارد، گاهی از ابزارگرایی پیروی می‌کند و گاهی نگاه آن به مالکیت فکری، وظیفه‌گرایی یا همان سنت‌گرایی است. در مجموع آن چیزی که باعث می‌شود حقوق مالکیت فکری از کشوری به کشور دیگری متفاوت باشد، ناشی از منابعی است که این کشورها برای خلق و ایجاد برون دادهای فکری اختصاص می‌دهند (Primo Braga & Fink, 1998: 169)؛ بنابراین توجه به مالکیت فکری، یکی از الزامات جامعه بین‌المللی است؛ به‌ویژه به خاطر این دلیل که جهان به‌سوی جامعه اطلاعاتی در حرکت است (نژاد نوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸)؛ (Nejad Noori, 2018: 8). از این رو درک اهمیت این موضوع باعث شده که برای مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل شاخص‌های در نظر بگیرند. آخرین شاخصی در این زمینه در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است و بر اساس این گزارش ۱۰ کشور زلاند نو، فنلاند، سوئد، سوئیس، نروژ، لوکزامبورگ، سنگاپور، ژاپن، هند و استرالیا به ترتیب بالاترین شاخص حقوق مالکیت فکری را در بین ۱۲۷ کشور دارند. ایالات متحده آمریکا و ایران به ترتیب در جایگاه ۱۴ و ۹۹ قرار دارند (International Property Rights Index, 2022).

## ۴- حقوق مالکیت فکری در جوامع ایالات متحده آمریکا و ایران

### ۴-۱- حقوق مالکیت فکری در جامعه ایالات متحده آمریکا

به نظر می‌رسد نظام حقوقی کنشگران غربی، «ابزارگرایی» است؛ اما آنچه میان آن‌ها تفاوت ایجاد کرده است، شدت این ابزاراندیشی است. به همین دلیل گاهی حقوق مالکیت فکری چه از

<sup>1</sup>. Deontologist

<sup>2</sup>. International Property Rights Index

نظر تکوین و چه از منظر آثار با عنایت به غایات آن تفسیر می‌شود و گاهی نیز بر اساس نظریه حقوق طبیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجایی که ایالات متحده سردمدار این موضوع می‌باشد و هدف اصلی مقاله پیش‌رو است، در ادامه به طور خاص به آن پرداخته خواهد شد.

یکی از نویسندگان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به نام «توماس جفرسون»، معتقد بود که مصادیقی مانند حق بر اختراع، ماهیتاً موضوع مالکیت نیست. به باور او، مسئله این بود که آیا تشویق ابداع و نوآوری به قدری برای جامعه واجد ارزش است که در ازاء آن حق انحصاری اختراع به کسی اعطاء شود یا خیر (See: *Graham v. John deere co.* 383 U.S. 1, 1966)؟ مالکیت فکری زمانی شکل می‌گیرد که اقتضانات راجع به تشویق نوآوری آن را ایجاب نماید، ضمن آنکه قلمرو حق اعطایی نیز بر پایه همین معیار تعیین می‌گردد. این دیدگاه سابقه‌ای به قدمت تاریخ حقوقی آمریکا دارد. شاید به این دلیل است که نظام حقوقی آمریکا به «ابزارگرایی» مشهور شده است؛ چرا که بر این اساس مالکیت فکری، استثناء بوده و رقابت آزاد، اصل می‌باشد. دادگاه‌ها با ارائه تحلیل‌های اقتصادی مبادرت به صدور رأی می‌کنند و توجه به مفاهیم اخلاقی (عدالت، انصاف و...)، از اهمیت کمتری برخوردار است (Reid et al., 2018: 130-165).

بنابراین مالکیت فکری به لحاظ زمانی محدود و قلمرو مشخصی دارد و تنها به افرادی تعلق می‌گیرد که حائز این شرایط خاص باشند (Lemley, 2005: 1). با در نظر گرفتن مباحث مذکور، می‌توان ادعان نمود که مالکیت فکری چه از نظر ماهیت و چه به لحاظ کاربردی، مطلقاً ابزاری است به منظور رسیدن به برخی از اهداف اجتماعی مانند سیاست تشویق نوآوری. از این رو، مالکیت فکری، کالایی اجتماعی است که دستیابی به اهداف خاصی را میسر می‌سازد که مالکیت فکری در قانون اساسی ایالات متحده ذیل همین موضوع قابل تفسیر و تحلیل است.<sup>۱</sup>

از منظر سه دسته کنگره، دادگاه و تحلیل‌گران، مالکیت فکری به مثابه اموال فیزیکی به‌منظور مواجهه با کالاهای عمومی شکل گرفته‌اند (Lamely, 2005: 1-2). بر همین اساس قواعد حاکم برای حل و فصل اموال فیزیکی از این موضوع بهره می‌گیرد. در واقع مالکیت فکری در ایالات متحده آمریکا از نوع ابزارگرایی است (Buccafusco & Masur, 2017: 1).

<sup>۱</sup>. Thomas Jefferson

<sup>۲</sup>. مقرر هشتم از قسمت ۸ ماده ۱ قانون اساسی آمریکا مقرر می‌کند: کنگره، با تأمین حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و مخترعان در خصوص تألیفات و کشف‌هایشان برای مدت محدود، از حق توسعه جریان علم و توسعه جریان علم و صنایع مفید برخوردار است؛

The Constitution of the United States, Article. I. Section. 8. Clause 8 (The Congress shall have Power... To promote the progress of science and useful arts, by securing for limited times to authors and inventors the exclusive right to their respective writings and discoveries) (the constitution of the united states, article.i. section.8 claus.8).



#### ۴-۲- حقوق مالکیت فکری در جامعه ایران

اگر نیم‌نگاهی به تاریخ نظام حقوقی ایران داشته باشید، متوجه خواهید شد که نظام حقوقی ایران در مواجهه با مسئله مالکیت فکری سابقه چندانی ندارد و حقوق مالکیت فکری در ایران بیشتر از قواعد «مالکیت سنتی» تبعیت می‌کند و نمی‌توان قائل به وجود مبنای متفاوتی در این باره بود. در نظام حقوقی ایران، مالکیت فکری یک کنش محسوب می‌شود. این در حالی است که مالکیت فکری بر پایه تحولات اقتصادی - صنعتی شکل گرفته است. در واقع حقوق مالکیت فکری، واکنشی به تحولات اجتماعی و صنعتی بوده است؛ و به تعبیری می‌توان اضافه کرد که مالکیت فکری، پاسخ به مسئله است. بنابراین مالکیت فکری، کنش و مسئله نیست. آنچه باعث شده که این موضوع در جامعه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، عدم شناسایی صحیح سنخ مالکیت فکری از منظر فلسفی است، چرا که حقوق مالکیت فکری را اموری مستحدث تلقی نموده و صرفاً سعی در توجیه و مشروعیت بخشیدن به آن‌ها باشند (حکمت نیا، ۱۳۹۴: ۲۰۵)؛ (Hekmatnia, 2016: 205). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت فکری حاکم در ایران بیشتر «وظیفه‌گرایی مطلق» بوده است و انعکاس این مسئله را می‌توان در برخی آراء دادگاه‌ها و رویه‌های اداری نیز ملاحظه نمود. به‌عنوان مصداق: دادگاه‌ها برخلاف نص صریح مقرره‌ای که ثبت علامت تجاری را شرط حمایت اعلام نموده، از علائم ثبت نشده به نحو غیرمعقولی حمایت به عمل آورده و حتی علائم ثبت شده را به سبب تزامن با علائم ثبت نشده یکسره ابطال می‌نمایند (مدنی و فرخی، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۶)؛ (Madani & Farrokh, 2018: 103-106).

از طرف دیگر اگر به مقررات حقوق مالکیت فکری در ایران آن هم در راستای همسو بودن با قواعد بین‌المللی، توجه کنید، متوجه خواهید شد که قوانین به نظامات سنتی پایبند است. به همین جهت حقوق مالکیت فکری در ایران نسبت به ماهیت و کارکرد وظیفه‌گرایی مطلق می‌دانند. هر چند در برخی قوانین رد پای ابزارگری قابل مشاهده است، ولی رویه دادگاه‌ها در تعارض با آن‌ها عمل کرده و اثر آن‌ها را منتفی ساخته است.

#### ۴-۳- مقایسه تطبیقی کارکرد حقوق مالکیت فکری در ایران و آمریکا

در مباحث فوق اشاره شد که نگاه ایالات متحده آمریکا به مالکیت فکری، ابزارگرایانه است. و پیشینه طولانی در این کشور دارد. به طوری که سابقه آن به قدمت نظام حقوقی آن‌ها دارد. حتی در جاهای که نظام حقوقی آن‌ها خواسته و یا ناخواسته به سمت حقوق طبیعی گرایش پیدا کرده است، باز هم مشاهده می‌شود که مالکیت فکری آن‌ها از ابزارگرایانه دور نشده است. حقوق مالکیت فکری در ایالات متحده آمریکا غلبه بر رویکرد ابزارگرا است. ارائه تحلیل‌ها، مستندات و... اقتصادی به نسبت مسائل اخلاقی برای دادگاه‌ها معتبرتر است. در واقع قواعد حاکم در دادگاه‌ها، ابزارگرایانه است (Reid et.al., 2018: 130-165)؛ اما در ایران، عکس این موضوع است، سابقه طولانی ندارد.

نگاه، نگاه سنتی است. مالکیت فکری غلبه بر وظیفه‌گرایی است. ارائه تحلیل‌ها، مستندات اخلاقی به نسبت تحلیل‌ها و اسناد اقتصادی از اعتبار بیشتری برخوردار هستند، البته معنی این نیست که مستندات اقتصادی اعتبار نداشته باشند و همین باعث شده که مالکیت فکری در ایران را سنتی و وظیفه‌گرایی بدانند؛ بنابراین اولین مؤلفه‌ی که باعث تفاوت جهت‌گیری‌ها تا عمل در مالکیت فکری این دو کشور شده، تفاوت ذاتی این موضوع است.

دومین مؤلفه‌ای که موجب تمایز حقوق مالکیت فکری در این دو کشور شده است، نوع نگاه و مبنایی می‌باشد که سعی در توجیه چنین حقوقی دارد. در نظام حقوقی ایران، حقوق مالکیت فکری اصولاً حق و حقوقی شخصی است که بر اساس نظریه حقوق طبیعی و مالکیت سنتی در فقه و حقوق موضوعه قابل توجیه است. سنخ مالکیت آن سنتی می‌باشد (رحیمی و سلطانی، ۱۳۸۵: ۷۲-۱۳۳)؛ (Rahimi Abbas & Soltani, 2006: 72-133). با این اوصاف، تلاش شده تا با استناد به «مصلح عمومی»، مشروعیت حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک حق خصوصی محض توجیه گردد. البته استناد به مصالح عمومی صرفاً با هدف پیشگیری از اختلال در نظم اجتماعی صورت می‌گیرد و جنبی «سلبی» دارد. بر این اساس حفظ مصالح محدود به دفع مضرات می‌گردد و جلب منفعت را شامل نمی‌شود. در واقع این نوع نگاه از نظریه حقوق طبیعی «جان لاک» نشأت گرفته و در اغلب نظام‌های وظیفه‌گرا، اخلاق‌گرا نیز ورود کرده است؛ احتمالاً دلیل اصلی آن مبنای اخلاقی و دینی در عرصه فلسفه حقوق باشد؛ اما در نظام حقوق مالکیت فکری ایالات متحده، مالکیت فکری سنخ سنتی ندارد و بر اساس رقابت آزاد، سنجیده می‌شود.

از آنجایی که نظام حقوق مالکیت فکری، ضمن فراهم نمودن حمایت‌هایی برای مبدعان، بستر مستعدی را نیز برای سوء استفاده از حقوق انحصاری اعطایی مهیا نموده است. می‌توان افزود که سومین مؤلفه متمایز میان حقوق مالکیت فکری دو کشور مدنظر، جلوگیری از سوء استفاده‌ها می‌باشد. اغلب صاحب‌نظران حقوقی و دادگاهی در ایالات متحده آمریکا علی‌رغم فراز و فرودها و اصلاحات و تعدیلات، کوشیده‌اند تا نظریه را به موازات رهیافت‌های حقوق رقابت پیش ببرند و استقلال آن را حفظ کنند؛ در واقع تلاش کرده‌اند، راهکاری مستقل و مؤثر در نظام حقوقی مالکیت فکری به‌منظور مقابله با زیاده‌خواهی صاحب اختراع از مجرای گسترش بدون وجه حقوق انحصاری اعطایی و خروج از قلمرو اختراع، به رسمیت شناخته‌اند. در ایران هم نظام مالکیت فکری برای مقابله با سوء استفاده‌ها وجود دارد؛ اما هنوز کاستی‌های وجود دارد. به بیان دقیق‌تر صرف نظر از اینکه بسیاری از مصداق‌های خاص سوء استفاده از اختراع را نمی‌توان در مقررات و رویکردهای عام مقررات رقابتی یافت، اما در نظام اختراعات نیز نشانی از آن‌ها دیده نمی‌شود و این کاستی می‌تواند فرصتی برای دارندگان اختراع فراهم آورده که با تعمیم ناروای حقوق خود، منافع سایر فعالان و

<sup>1</sup>. John Locke

حتی کلیت مالکیت فکری را به مخاطره اندازند (رهبری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۶۴)؛ (Rahbari & Hosseini, 2020: 164).

چهارمین تفاوت نظام حقوق مالکیت فکری در آمریکا و ایران به «الگو توسعه مالکیت فکری» برمی‌گردد. در آمریکا با توجه به سیاست‌های بین‌المللی و شاخص‌های حمایت از مالکیت فکری دارای یک الگوی در راستای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است (Intellectual Property Rights in the USA, 2022: 1-16). اما در کشور ما هنوز در جهت تحقق مطالبات اسناد بالادستی، تکالیف قانونی و برنامه‌ریزی کشور نیازمند بررسی جدی و شناسایی و رفع آسیب‌های مرتبط با این موضوع می‌باشد. هر چند در این راستا دستاوردهای داشته و اصلی‌ترین قدم در بهبود اقتصاد دانش‌بنیان را داشته است، ولی هنوز مشکل اصلی این حوزه که فقدان یک الگوی مناسب علمی برای توسعه نظام حقوق مالکیت فکری باشد، پابرجاست.

### نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت فکری یکی از شاخه‌های تخصصی حقوق می‌باشد که هدف آن حمایت از ایده‌های فکری، هنری، ادبی، اختراع، علائم تجاری و... در سطوح داخلی و بین‌المللی است. مالکیت فکری در جامعه بین‌الملل، مجموعه حقوق انحصاری صاحب حق نسبت به اعیان غیرمادی است. مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی، واکنشی در برابر تغییرات اجتماعی مستقیم است که اگر این تغییرات اجتماعی حاصل نمی‌شد حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی نیز به شکل کنونی فرصت بروز و ظهور پیدا نمی‌کرد. حقوق مالیت فکری در جامعه بین‌المللی، نتیجه این تغییرات و به‌منظور مدیریت اجتماع پا به عرصه وجود نهاده است. البته در نظام‌های حقوقی مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به این مسئله وجود دارد، چراکه برخی کنشگران مالکیت فکری را ابزاری برای کنترل تغییرات اجتماعی می‌دانند و برخی کنشگران دیگر با یک نگاه سنتی به حقوق مالکیت فکری نگاه می‌کنند. پژوهش حاضر تلاش کرد تا بر اساس یک چارچوب توصیفی-تحلیلی، الزامات بین‌المللی مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی و کارکرد آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا را مورد بررسی قرار دهد.

در این پژوهش ابتدا مفهوم اساسی و مبنایی این پژوهش حقوق مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی بیان شد و پس از آن تلاش شد تا کارکرد آن در حقوق جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. چرا که ماهیت خاص این دسته از حقوق ابزار مهم و اساسی برای توسعه تلقی می‌شود.

مالکیت فکری مسئله یا کنش نیست، بلکه اساساً واکنش محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن این مباحث نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که مالکیت فکری در جامعه بین‌المللی (از هر کشور به

کشور دیگری) متفاوت است. در واقع دو کشور مورد نظر (آمریکا و ایران) هم شامل این مصداق می‌شوند؛ اما آنچه یافته‌ها نشان می‌دهند، حقوق مالکیت فکری در این دو کشور کاملاً متفاوت است؛ چراکه در ایالات متحده آمریکا بیشتر نگاه ابزاری دارد و در ایران بیشتر نگاه وظیفه‌گرا و سنتی است.

در مجموع چهار تفاوت اساسی این حقوق در دو کشور کاملاً از هم متفاوت کرده است که عبارت‌اند از: تفاوت ذاتی، نگاه و مبنایی (در نظام حقوقی ایران، حقوق مالکیت فکری اصولاً حق و حقوقی شخصی است که بر اساس نظریه حقوق طبیعی و مالکیت سنتی در فقه و حقوق موضوعه قابل توجیه است. سنخ مالکیت آن سنتی می‌باشد)، جلوگیری از سوء استفاده‌ها، الگو توسعه مالکیت فکری.

### منابع فارسی

۱. پارساپور، م. (۱۳۸۱). نظریه حقوق طبیعی. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۴ (۱۳-۱۴)، ۱۴۱-۱۵۱  
doi: 10.22091/pfk.2002.422
۲. حکمت‌نیا، م. (۱۳۹۴). روش‌شناسی مالکیت فکری. فصلنامه دین و قانون، ۲ (۸)، ۲۰۳-۲۳۴.
۳. رحیمی، م.، سلطانی، ع. (۱۳۸۵). مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه. فقه و اصول، ۳۸ (۳)، ۱۷۲-۱۳۳  
doi: 10.22067/jfiqh.2020.60878.0
۴. رهبری، ا.، حسینی، م. (۱۳۹۸). تأملی در نظریه سوء استفاده از حق اختراع در نظام حقوقی آمریکا و ایران. دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۶ (۲)، ۱۶۶-۱۴۷.
۵. عباسی، م.، معین، ا.، اکرمی، ف. (۱۳۹۴). جایگاه و چالش‌های ایران در حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت آثار ادبی و هنری. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۹ (۱)، ۱۱-۴۶.
۶. قدوسی، ف. (۱۳۸۸). تعیین وضعیت موجود حقوق مالکیت فکری. تهران؛ مرکز مطالعات راهبردی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۷. کمیلی‌پور، ع.، چینی‌ساز، م.، مجلسی، ف. (۱۴۰۰). داوری دعاوی مالکیت فکری از مجرای رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، ۲ (۸)، ۸۹-۱۰۶.
۸. محمدی، ع.، صالحی‌مازندران، م.، زاهدی، م. (۱۳۹۶). حمایت از حق شهرت در پرتو حقوق مالکیت فکری با رویکرد تطبیقی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۱ (۳)، ۱۸۵-۲۱۴.
۹. محمودی، ا. (۱۳۹۱). ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن‌ها در حقوق اموال. دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، ۱ (۲)، ۱۰۷-۹۴.
۱۰. محنت‌فر، ی.، عثمانی، ف. (۱۳۹۹). اثر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۳ (۴۹)، ۱۳۳-۱۱۳.

۱۱. مدنی، م.، فرخی، ز. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی عناصر نقض علامت تجاری در حقوق آمریکا و ایران. پژوهش حقوق خصوصی، ۷(۲۴)، ۹۵-۱۲۰.
۱۲. میرشمسی، م.، جلائیان دهقانی، ح.، تیموری، ع. (۱۳۹۳). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. حقوق اسلامی، ۱۱(۴۰)، ۷۱-۱۰۴.
۱۳. نجفی، ح. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد مالکیت فکری در حقوق ایران و آمریکا؛ تمهیدی برای تغییر. حقوق اسلامی، ۱۸(۷۰)، ۲۸۰-۲۵۳.
۱۴. نژادنوری، م.، پوررمضان نرگسی، ق.، حاج حسینی، ح.، صدری، م. (۱۳۹۷). الگوی نظام حقوق دارائیه‌های فکری جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری. مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، ۸(۳۲)، ۷-۳۱.

### English References

1. ARICIOGLU, E & UCAN, O. (2015). Intellectual Property Rights and Economic Growth in Europe. Ç.Ü. Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, Cilt 24, Sayı 2, Sayfa 123-136. <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/365321>
2. Buccafusco, C. Jonathan, M. (2017). Intellectual Property Law and the Promotion of Welfare. *University of Chicago Public Law & Legal Theory Paper Series*, No. 607. 1-26.
3. Drahos, P. Mary, Q. Mary, Q. Westfield, C. (2022). THE UNIVERSALITY OF INTELLECTUAL PROPERTY RIGHTS: ORIGINS AND DEVELOPMENT. [https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo\\_unhchr\\_ip\\_pnl\\_98/wipo\\_unhchr\\_ip\\_pnl\\_98\\_1.doc](https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo_unhchr_ip_pnl_98/wipo_unhchr_ip_pnl_98_1.doc)
4. Intellectual Property Rights in the USA. (2022). [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/456368/IP\\_rights\\_in\\_USA.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/456368/IP_rights_in_USA.pdf)
5. Lemley, M. (2005). Property, Intellectual Property, and Free Riding. *Texas Law Review*, Vol. 83, issue. 4, 1031-1076.
6. World Intellectual Property Organization. (2022). *Wipo Intellectual Property Handbook*, at: [https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo\\_pub\\_489.pdf](https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_489.pdf)
7. Primo Braga, C. A. and Fink, C. (1998). The relationship between intellectual property rights and foreign direct investment. *Duke Journal of Comparative and International Law*, 9, 163-188.
8. Reid, A. Kenneth, s. Port, L. (2018). Fundamentals of US Intellectual Property Law Copyright, Patent, and Trademark. <https://solo.bodleian.ox.ac.uk/primo->

explore/fulldisplay?docid=oxfaleph021890679&vid=SOLO&search\_scope=LSCOP\_  
ALL&tab=local&lang=en\_US&context=L

### Translated References to English

1. Abbasi M, Moein Islam M, Akrami F. Iran's Position and Challenges in International Protection of Copyrights of Literary and Artistic Works. *MLJ*, 9:11-46 (**In Persian**).
2. ARICIOGLU, E & UCAN, O. (2015). Intellectual Property Rights and Economic Growth in Europe. *Ç.Ü. Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, Cilt 24, Sayı 2, Sayfa 123-136. <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/365321>
3. Buccafusco, C. Jonathan, M. (2017). Intellectual Property Law and the Promotion of Welfare. *University of Chicago Public Law & Legal Theory Paper Series*, No. 607, 1-26.
4. Drahos, P. Mary, Q. Mary, Q. Westfield, C. (2022). The Universality of Intellectual Property Rights: Orgins and Development , at: [https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo\\_unhchr\\_ip\\_pnl\\_98/wipo\\_unhchr\\_ip\\_pnl\\_98\\_1.doc](https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo_unhchr_ip_pnl_98/wipo_unhchr_ip_pnl_98_1.doc)
5. Hekmatnia, M. (2002). Intellectual property methodology. *Religion and Law Quarterly*, 2(8), 203-234 (**In Persian**).
6. Intellectual Property Rights in the USA. (2022). [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/456368/IP\\_rights\\_in\\_USA.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/456368/IP_rights_in_USA.pdf)
7. komeilipour, A. chinisaaz, M. & majlesi, F. (2022). Arbitration of intellectual property claims through the approach of international law and Iranian law. *Modern Jurisprudence and Law*, 2(8), 89-106. doi: 10.22034/jml.2022.251234 (**In Persian**).
8. Lemley, M. (2005). Property, Intellectual Property, and Free Riding. *Texas Law Review*, Vol. 83, issue. 4, 1031 -1076.
9. madani, M. & farrokhi, Z. (2018). comparative study of elements of trademark infringement in us and iranian law. *Private Law Research*, 7(24), 95-120. doi: 10.22054/jplr.2018.22426.1575 (**In Persian**).
10. Mahmoodi, A. (2013). The nature of intellectual property rights and their place in property rights. *Journal of Civil Law Knowledge*, 1(2), 94-107 (**In Persian**).
11. MEHNATFAR, Y. OSMANI, F. (2021). The effect of Intellectual Property Protection

- on Growth Economic and Income Distribution in Iran. *Sociological studies*, 13(49), 113-133. doi: 10.30495/jss.2020.558273.1087 **(In Persian)**.
12. Mirshamsi, M. H. Jalaiyan Dehghani, H. & Teimoury, A. (2014). Idea and Its Protection in the System of Intellectual Property Rights. *Islamic Law*, 11(40), 71-104 **(In Persian)**.
  13. Mohammadi, A. salehi mazandarani, M. zahedi, M. (2017). Protection of Publicity Right in the Light of Intellectual Property Rights (Comparative Analysis). *CLR*, 21 (3):185-214 **(In Persian)**.
  14. najafi, H. (2021). A comparative study of the concept and function of intellectual property in Iranian and the US law :Preparation for change. *Islamic Law*, 18(70), 253-280 **(In Persian)**.
  15. nejad noori, M. Poorramazan Nargesi, G. Hajhoseini, H. sadri, M. (2018). The National Intellectual property rights system (NIPRS)for The Islamic Republic of Iran: An Interpretive Structural Modelling Approach and MICMAC analysis. *Strategic Management Studies of National Defence Studies*, 8(32), 31-7 **(In Persian)**.
  16. Parsa poor, M. (2002). Natural law theory. *Journal of Philosophical Theological Research*, 4(14-15), 141-151. doi: 10.22091/pfk.2002.422 **(In Persian)**.
  17. Primo Braga, C. A. and Fink, C. (1998). The relationship between intellectual property rights and foreign direct investment. *Duke Journal of Comparative and International Law*, 9, 163-188.
  18. Qudousi, F. (1388). Current status of intellectual property rights. Tehran; Center for Strategic Studies, Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution **(In Persian)**.
  19. Rahbari, E. & Hosseini, S. M. A. (2020). An Analysis on Patent Misuse Doctrine in the U.S and Iranian Legal System. *Journal of Comparative Law*, 6(2), 147-166. doi: 10.22096/law.2019.65138.1103 **(In Persian)**.
  20. Rahimi Abbas, M., Soltani, A. (2006). Jurisprudential foundations of intellectual property rights in Shia jurisprudence Fiqh and Usul, 38(3), 133-172. doi: 10.22067/jfiqh.2020.60878.0 **(In Persian)**.
  21. Reid, A. Kenneth, s. Port, L. (2018). Fundamentals of US Intellectual Property Law Copyright, Patent, and Trademark. [https://solo.bodleian.ox.ac.uk/prime-explore/fulldisplay?docid=oxfaleph021890679&vid=SOLO&search\\_scope=LSCOP\\_ALL&tab=local&lang=en\\_US&context=L](https://solo.bodleian.ox.ac.uk/prime-explore/fulldisplay?docid=oxfaleph021890679&vid=SOLO&search_scope=LSCOP_ALL&tab=local&lang=en_US&context=L)

22. World Intellectual Property Organization. (2022). *Wipo Intellectual Property Handbook*. At: [https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo\\_pub\\_489.pdf](https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_489.pdf)